

ساختار دفاعی ترکمن‌ها در برابر تهاجم روس‌ها در قرن سیزدهم هجری

دکتر عبدالله متولی

استادیار دانشگاه اراک

چکیده

ترکمانان مجموعه قبایل پراکنده‌ای بودند که از قرن پنجم به بعد خود را به مناطق شمال شرقی ایران رساندند. در سیر کلی تاریخ ایران این عناصر بخشی از حاکمیت سیاسی ایران را تشکیل می‌دادند اما در ایام ضعف حاکمیت مرکزی، خودسری و نافرمانی ویژگی عمومی این قبایل بود. در قرن سیزدهم هجری قدرت مرکزی ایران که در اختیار قاجارها بود اکثراً در برابر خودسری این قبایل ناتوان ظاهر شد. در همین ایام پیشروی روس‌ها در آسیای مرکزی زمینه الحاق بخش‌هایی از مناطق ترکمن‌نشین به قلمرو آنها را به دنبال داشت. ساختار قومی و قبیله‌ای و جغرافیای طبیعی منطقه در کنار شیوه‌های دفاعی ترکمانان، مجموعه شرایطی را مهیا نمود تا روس‌ها برای تسلط بر این منطقه در مقایسه با سایر بخش‌های آسیای مرکزی با دشواری‌های بیشتری مواجه شوند و به سختی نیروهای خود را در این منطقه استقرار بخشیدند. مقاله پیش رو شیوه‌های دفاعی ترکمانان و دلایل ناکامی نهایی مقاومت آنها را در برابر روس‌ها جستجو می‌نماید.

واژگان کلیدی: ترکمانان، روس‌ها، دفاع، تهاجم.

مقدمه

ترکمانان که بنا به گفته رشیدالدین شعبه‌ای از ترکان محسوب می‌شدند.^۱ در گذشته‌های دور در کناره‌های ایسی گول و منطقه سمیره‌چیه استقرار داشتند. اما به مرور ایام بر اثر فشار اقوام شرقی و احتمالاً چینی‌ها راه غرب را درپیش گرفته و از سیحون گذشته و به سوی مناطق درونی ماوراءالنهر متمایل شدند. بخشی از این‌ها از سمرقند و بخارا گذشته و خود را به مرو رسانیدند و بخش دیگری راه منطقه خوارزم را در پیش گرفته و محدوده‌ای از خوارزم تا ساحل دریای خزر را در اختیار گرفتند. این گروه‌ها اکثراً همان‌هایی بودند که ترکمانان ساکن ترکمنستان فعلی را تشکیل دادند. در مرزهای جنوبی این منطقه نیز اکثراً بازماندگان مهاجرانی بودند که در پی شکل‌گیری دولت سلجوقیان در این منطقه ظاهر شدند. این گروه‌ها در گذر ایام فشارهای متعدد مغولان و تیموریان را تحمل کرده و به صورت قبایل پراکنده ترکمن از منطقه منقیشلاق در ساحل دریای خزر تا مرزهای شمالی خراسان را دربر می‌گرفتند. با تسلط ازبکان در منطقه ماوراءالنهر و خوارزم بخشی از ترکمن‌ها مجبور شدند تابعیت آنها را بپذیرند. ترکمن‌هایی که در صحرای بین ساحل چپ آمودریا و دریاچه آرال تا دریای خزر در حال کوچ بودند عملاً ترکمانان قلمرو ایران را تشکیل می‌دادند اما در مواقع ضعف حکام مرکزی ایران در اتحاد با ازبکان وارد شده و یا به صورت مستقل عمل می‌کردند. در دوره قاجار به دلیل ضعف قدرت سیاسی قاجارها در خراسان، ترکمانان براساس شرایط با حکام خیه و یا بخارا وارد اتحاد شدند. با وجود این، وحدت و یکپارچگی در میان قبایل مختلف ترکمان برقرار نبود و بعضاً علاوه بر درگیری‌های خونین بین قبیله‌ای در مواردی دچار منازعات درون قبیله‌ای نیز می‌شدند. وامبری قبایل ترکمن را به نه دسته تقسیم کرده است: چاودر، ارساری، علی، قره، سالور، ساریق، تکه، گوگلان، یموت.^۲ از میان قبایل ذکر شده گوگلان و یموت‌ها بیشتر در قلمرو ایران پراکنده بودند^۳ و مابقی آنان امروزه در کشور ترکمنستان و برخی از کشورهای دیگر آسیای مرکزی استقرار دارند.

پیشروی روس‌ها در صحرای ترکمن

روس‌ها پس از یک دوره پیشروی در آسیای مرکزی در قرن نوزدهم میلادی که به سقوط خانان این منطقه انجامید به آخرین مرحله از این توسعه‌طلبی رسیدند. منطقه موسوم به صحرای ترکمن که به صورت تقریبی بیابانهای شرقی دریای خزر و مناطق شمال شرقی ایران تا حاشیه چپ جیحون را شامل می‌شد،^۴ در آخرین سال‌های قرن سیزدهم هجری قمری مورد تعرض روس‌ها قرار گرفت. محل استقرار ترکمن‌ها از جهاتی برای روس‌ها حائز اهمیت بود.

۱- این منطقه به گونه‌ای می‌توانست آستانه تماس مستقیم روس‌ها و انگلیسی‌ها باشد. در عین حال روس‌ها را در موقعیتی قرار می‌داد که امکان تهدید مستقیم انگلیسی‌ها برایشان فراهم شده و می‌توانستند به برخی امتیازات مورد نظر حتی در اروپا دست یابند.

۲- روس‌ها با استقرار در این منطقه می‌توانستند بر تمامی مرزهای شمالی ایران دست یابند و عملاً با این شیوه موضع انگلیسی‌ها در ایران به شدت تضعیف می‌شد.

۳- دستیابی بر مسیرهای تجاری که از ایران، هند و افغانستان و از طریق مرو و حتی چین گذر می‌کرد و برای گروه عظیم تاجران روس اهمیت حیاتی داشت.

۴- مسأله یکپارچه کردن تمامی مناطق شرقی دریای مازندران امکان اداره آن را آسان‌تر می‌نمود. دسترسی به قلب ماوراءالنهر از طریق دریا برای روس‌ها راحت بود کما اینکه بعدها راه آهن روس از کنار دریا و از قلب صحرای ترکمن به سوی بخارا و سمرقند امتداد یافت.

۵- رها کردن گروه‌های پراکنده ترکمن در حاشیه مناطقی که عملاً ضمیمه قلمرو روس شده بود به شدت ثبات آنها را تهدید می‌کرد. هر لحظه امکان یورش آنها به خیوه و بخارا وجود داشت. بنابراین در نگاه روس‌ها ثبات مناطق اشغال شده در گرو تسلط بر قلمرو شمالی ترکمنان بود.

با عنایت به این ویژگی‌ها روس‌ها مدت‌ها پیش از یورش به سوی سمرقند و بخارا و خیوه توجه خود را به مناطق ترکمن‌نشین معطوف نمودند. اما ناکامی‌های متعددی در این منطقه نصیب آنان گردید و مدت‌ها طول کشید تا آنها توانستند نیروهای نظامی خود را در مناطق ترکمن‌نشین مستقر نمایند. به نظر می‌رسد مجموعه‌ای از عوامل و شرایط در کنار همدیگر در ناکامی‌های روس‌ها مؤثر بود و علیرغم آنکه ترکمن‌ها از یک حاکمیت متمرکز برخوردار نبودند. اما در مقایسه با سایر حکومت‌های آسیای مرکزی زمان بیشتری را در برابر مهاجمین روس ایستادگی نمودند. در

ادامه به برخی از ویژگی‌ها و شاخصه‌های دفاعی این مناطق پرداخته که نقش اساسی در به تأخیر انداختن پیروزی روس‌ها داشتند.

شگردها و ابزارهای مقاومت در نزد ترکمن‌ها

الف- نقش عوامل و موانع طبیعی و میزان بهره‌مندی از آنها: شاخصه‌های طبیعی و جغرافیایی سواحل و مناطق شرقی دریای خزر یک منطقه نسبتاً خشک و کم آب و گرم را نشان می‌دهد. بیابان قراقوم که بخش‌های وسیعی از این منطقه را پوشانده بود. در مسیر عزیمت سپاهیان روس قرار داشت. بنابراین آنها را با کمبود آذوقه روبرو می‌نمود. از سوی دیگر به دلیل آن که حمل و نقل وسایل و لوازم جنگی و تدارکات وابسته به چارپایان بود، تهیه خوراک و علوفه برای حیوانات بارکش عملاً غیرممکن می‌شد و در تعداد قابل توجهی از این نبردها چارپایان بیشترین تلفات را متحمل شده و عملاً بخش تدارکاتی سپاه از کار افتاده و زمینه‌های شکست را مهیا می‌نمود. علاوه بر این، کمبود شدید آب نیز در این منطقه نقش مؤثری در ناکامی روس‌ها داشت. تأمین آب آشامیدنی تنها به وجود چاه‌هایی بود که در برخی قسمت‌ها حفر شده و بعضاً فاصله این چاه‌ها طولانی بود و چندین روز راهپیمایی وصول به آن را ممکن می‌ساخت و این مسافت برای یک سپاه سنگین اسلحه و پر تعداد دشواری‌های خاص خود را به دنبال داشت. هنگامی که روس‌ها قصد تصرف خیوه را داشتند یکی از دستجات نظامی به فرماندهی مارکوزوف می‌بایست از حاشیه دریای خزر و مسیر خشک شده جیحون موسوم به اوزبوی راه خود را به طرف خیوه هموار نماید. اما این نیروی ۲۲۰۰ نفره که ۱۶ عراده توپ را به همراه داشت تا نیمه راه بیشتر نتوانست حرکت نماید. گرمای شدید هوا و کمبود آب باعث افزایش تلفات افراد نظامی و چارپایان شد. به همین لحاظ روس‌ها با برجای گذاشتن کشته‌های فراوان مجبور شدند بدون اتخاذ نتیجه باز گردند.^۵

اسکوبلف در خصوص وضعیت این سپاه می‌نویسد: گروه‌هایی که از جانب جنوب فرستاده بودند، از شدت حرارت و تشنگی به کلی از پا افتاده، درجه تشنگی آنها به حدی رسید که بول خود را می‌نوشیدند.^۶

لوماکین یکی از فرماندهان ارشد روس محسوب می‌شد که مدت‌ها تلاش نمود تا از منطقه‌ای در حاشیه دریای خزر به نام چکیشلر به طرف مرکز استقرار ترکمن‌ها در دشت پیشروی نماید. او با ۲۴ هزار نظامی و ۲۴ عراده توپ به موازات نوار شمالی اترک حرکت نمود و در منطقه‌ای به نام خوجه قلعه استقرار یافت اما گرمای شدید هوا، کمبود مواد غذایی و آب به کمک ترکمنان آمد و باعث شد تا لوماکین، با از دست دادن بخشی از تجهیزات و نیروهای نظامی به چکیشلر عقب‌نشینی نماید.^۷

لوماکین پس از شکست کنار گذاشته شد و لازاروف جای او را گرفت. وی نیز بلافاصله سپاه دیگری را برای یورش به ترکمن‌ها آماده نمود اما سپاه در حال پیشروی در طول مسیر گرفتار گرمای شدید و کم آبی شده و این موضوع به حدی سپاهیان روس را در تنگنا قرار داد که آن‌ها بر اثر همین گرما و مسمومیت آب فرمانده خود را نیز از دست داده و مجدداً مجبور به عقب‌نشینی شدند.^۸ بنابراین گرمای هوا و کمبود مواد غذایی در منطقه یکی از عوامل بازدارنده نیروهای نظامی روس محسوب می‌شد.

ب- بهره‌گیری ترکمنان از جنگ‌های نامنظم و شبیخون: بخشی از شیوه جنگ ترکمن‌ها درست نقطه مقابل عملکرد روس‌ها محسوب می‌شد. روس‌ها با اتکا بر سپاه آموزش دیده و استفاده از توپخانه سنگین یک نبرد نسبتاً منظم در صحرای ترکمن را دنبال می‌کردند ولی ترکمن‌ها که فاقد سپاه تربیت شده و سلاح سنگین بودند برای مواجهه با اوضاع و شرایطی که با آن روبرو شدند بیشتر به جنگ‌های نامنظم و ناگهانی متوسل می‌شدند تقریباً در تمام مراحل که روس‌ها تهاجمات خود را بر این منطقه متمرکز ساختند از حملات غیرمتمرکز ترکمن‌ها در عذاب بوده و تلفات زیادی را در این راه متحمل شدند. روس‌ها در بخش‌هایی از سواحل دریای خزر استحکاماتی را برای خود احداث نمودند. اما این مناطق به طور مکرر در معرض حملات ترکمنان قرار داشتند. در سال ۱۸۷۰ م نوری‌دی خان و داقما سردار دو تن از رهبران ترکمنان یکی از این یورش‌های غافلگیرانه به این منطقه را به انجام رساندند.^۹

در سال ۱۸۷۹ نیز اسکوبلف نیروهای خود را به حاشیه اترک راند تا بخشی از سرزمین ترکمن‌ها را شناسایی نماید اما ترکمن‌های تکه مکرر به نیروهای روس هجوم برده و تلفات انسانی زیادی به او وارد نمودند و مارکوزوف مجبور شد به سرعت باز گردد.^{۱۰}

لوماکین که دو نوبت فرماندهی سپاه روس در جنگ با ترکمانان را برعهده داشت و هر دو نوبت شکست خورده بود از شیوه جنگ و گریز و غافلگیری ترکمانان شکایت می‌کند و سربازان خود را در جهت هوشیاری از این شیوه جنگی آگاه می‌سازد. البته درس‌های او کارساز نشد و با وجود آنکه خود را به دیوارهای گوگ تپه رساند، اما عقبه سپاه وی به شدت تحت فشار حملات ترکمن‌ها قرار گرفت و سرانجام مجبور شد شکست سنگینی را تحمل نماید.^{۱۱}

در آخرین مرحله عملیات روس‌ها در گوگ تپه، با وجود آنکه زبده‌ترین نیروها و تجهیزات را برای سقوط این قلعه در اختیار داشتند اما شبیخون شدید نیروهای داقما سردار به محافظان توپخانه آنها را به پیروزی نزدیک نمود و البته اگر هوشیاری اسکوبلف فرمانده سپاه روس نبود، موفقیت ترکمن‌ها قطعی بود.

ترکمن‌ها در کنار حملات غافلگیرانه‌ای که به خطوط نظامی روس‌ها انجام می‌دادند در مواقع ضرورت برای آنکه روس‌ها را در تنگنا قرار دهند در طول مسیر، آبادیها و مزارعی که بود از بین برده و تخریب می‌کردند. این اقدام بارها در مسیر لشکرهای متعدد روس صورت گرفت و به کندی عملیات نظامی آنها در صحرای ترکمان کمک نمود.^{۱۲}

ترکمن‌ها برای درهم ریختن نظم روس‌ها و عقب نشانده‌شان به جای مقابله با گروه‌های پیشرو به خطوط کمک‌رسانی هجوم برده سعی می‌کردند خطوط تدارکاتی آنها را متوقف نمایند.

ج- موانع بازدارنده مصنوعی و اهمیت آن: درمقابل هجوم سیل‌آسای روس‌ها به مناطق ترکمن‌نشین در کنار سایر عوامل و عناصر دفاعی تکیه بر برخی دژها و قلعه‌های مستحکم نیز جایگاه ارزنده‌ای داشت. میزان استحکام و مقاومت قلعه‌های ترکمانان معمولاً یکسان نبود. برخی از آنها معمولی با جمعیت اندک و فاقد برج و باروی استوار بوده و با اولین شلیک توپخانه روس‌ها دیوارهای آن فرو می‌ریخت اما بی‌تردید تعدادی از دژهای ترکمانان مانند خوجاقلعه و دنگیل تپه و گوگ تپه دارای چنان عظمت و استواری بود که مدت‌ها روس‌ها را در پای دیوارهای خود زمین گیر نموده و تلاش‌های مکرر آنها برای رخنه در دیوارهای رفیع و قطور این دژها فاقد نتیجه لازم بود توپ‌های سبک و سنگین نیز عملاً در برابر این استحکامات ناتوان بودند.

یکی از مواضع دفاعی مهم ترکمن‌ها قلعه معروف گوگ تپه بود که دارای یک موقعیت کلیدی در میان ترکمن‌ها بود، سقوط یا پایداری این دژ می‌توانست نقش تعیین‌کننده‌ی در میان طرفین

جنگ داشته باشد. این قلعه از دیرزمانی در دشت آخال مرکز تجمع ترکمن‌های تکه ساخته شده بود و بیشتر محل تجمع و زندگی این قبایل ترکمان بود. پیش از تهاجم روس‌ها به دلیل اینکه تهدیدی جدی متوجه ترکمن‌ها نبود بخش‌های زیادی از باروی شهر فروریخته بود اما با یورش مکرر روس‌ها سرانجام ترکمن‌ها مصمم به بازسازی و تحکیم بنا برآمدند. کار بازسازی براساس تقسیم کار میان خانواده‌ها صورت گرفت. مدیریت بازسازی به شخصی به نام بردی مرادخان واگذار شد. در اولین یورش جدی روس‌ها به منطقه گوگ‌تپه هنوز بازسازی قسمت‌های دفاعی قلعه به اتمام نرسیده بود. بخشی از اصل بنا ناتمام بود و ارتفاع قسمت‌های دیگر باروها به حد مطلوب نرسیده بود. ترکمن‌ها که تا آن زمان بارها از توپهای سنگین روس‌ها صدمات زیادی را تحمل کرده بودند برای افزایش استحکام این بنا، مقاومت در برابر توپ‌های قلعه‌کوب را لحاظ کرده و ساخت مهندسی بنا به گونه‌ای در نظر گرفته شد که دیوارها با انفجار توپ‌ها فرو نریزد.^{۱۳}

به دلیل همین ویژگی بود که احداث و تکمیل آن به کندی پیش می‌رفت و سپاهیان روس به فرماندهی لوماکین خود را به نزدیکی گوگ‌تپه رسانید. ترکمن‌ها که به نوعی غافلگیر شده بودند مجبور شده یک دفاع ترکیبی را وجهه همت خود قرار دهند. حفاظت از بخش‌های آسیب‌پذیر بارو و ممانعت از ورود روس‌ها به درون دژ بخشی از وظیفه محافظین بود. گروه‌های دیگر ملزم شدند که از دژ خارج شده و عقبه سپاه روس را که نقش تدارکاتی را بر عهده داشت زمین‌گیر کرده و خطوط ارتباطی آن را با گروه‌های مهاجم قطع نمایند. اما حملات نامنظم و مداوم ترکمن‌ها در این قسمت فاقد نتیجه بود و آنها توفیقی در قطع خطوط ارتباطی روس‌ها نیافتند.^{۱۴}

در اطراف قلعه نیز بخشی از محافظان سعی نمودند منابع آب طبیعی را که تأمین کننده آب سپاه دشمن بود در کنترل بگیرند. نهر آب در خارج از دژ قرار داشت و مانع طبیعی برای دفاع از آن وجود نداشت علی‌رغم آنکه ترکمن‌ها در حفظ محل آب‌رسانی به دشمن بسیار کوشیدند اما در مقابل توپخانه روس‌ها تمامی آنها کشته شدند و عملاً ترکمن‌ها تمامی امیدهایشان را جهت ناکامی دشمن در بیرون از قلعه از دست دادند. سرانجام لوماکین با تقسیم نیروهای خود به سه قسمت از سه جبهه قلعه را در محاصره گرفت. گلوله باران شدید ساکنان قلعه اولین گام تهاجم بود. در حالی که در قسمت‌هایی که دیوار دفاعی ناتمام بود نبرد تن به تن در جریان بود. در بخش‌های دیگر دیوار قطور و مرتفع دژ، روس‌ها را متوقف ساخته بود. مدافعین در این قسمت‌ها گودال‌های عمیق

نیز حفر کرده بودند که کار را برای مهاجمین به شدت دشوار می‌ساخت. بنابراین روس‌ها در این بخش ناکام شده و مجبور به عقب‌نشینی شدند.

شکست روس‌ها در این قسمت‌ها باعث شد تا قوت قلبی در مدافعین سایر قسمت‌ها پدید آمده و روس‌ها تحت هجوم همه جانبه ترکمن‌ها محاصره را رها کرده و با تلفات زیاد عقب‌نشینی کنند.^{۱۵}

به نظر می‌رسد آنچه ترکمن‌ها را در این جنگ به پیروزی رسانید جدای از فرماندهی ضعیف روس‌ها، قدرت و عظمت دژی بود که ترکمن‌ها را در درون خود پناه داده بود. خندق اطراف بارو از یک سو و دیوارهای مرتفع و غیرقابل نفوذ از طرف دیگر علاوه بر این که سربازان روس را با ناکامی مواجه ساخت باعث شد تا توپخانه آنها نیز رخنه‌ای در این دیوارها پدید نیآورند.

گوگ تپه که یک نوبت روس‌ها را ناکام باز گردانده بود به یک معضل جدی برای روس‌ها مبدل شد و برای ترکمن‌ها راه نجات تلقی می‌شد. دیوارهای ناتمام در یک سال به اتمام رسید. روس‌ها برای فروپاشی مقاومت ترکمن‌ها اسکوبلف یکی از سخت‌ترین فرماندهان نظامی خود را برای سرکوب ترکمن‌ها در گوگ تپه انتخاب کردند. او تمام توان و تدارکات لازم را برای فروپاشی دیوارهای این قلعه تدارک دید. توپخانه عظیم، پیاده نظام ورزیده و یک نقشه دقیق و منظم برای رسیدن به این مقصود فراهم شد.

علیرغم تمامی تدارکات در سال ۱۸۸۱ میلادی محاصره گوگ تپه مدتی به طول انجامید و توپخانه روس‌ها نتوانست رخنه‌ای در قلعه‌ای که بیش از پنجاه هزار نفر را در خود جای داده بود ایجاد نماید. شیبخون‌های پراکنده ترکمن‌ها نیز عملاً عرصه را برای مهاجمین تنگ کرده بود. سرانجام برای شکستن این سد دفاعی یک اقدام شگفت‌انگیز و ابتکاری شکل گرفت. احداث یک راه زیرزمینی از فاصله‌ای دور به عنوان یک تاکتیک جدید در دستور کار قرار گرفت. در حالی که در قسمت‌های دیگر قلعه روس‌ها سعی داشتند ترکمن‌ها را مشغول کنند. حفر نقب تا زیر دیوار قلعه ادامه یافت و حدود دو تن مواد منفجره را زیر دیوارهای قلعه کار گذاشتند. پس از انفجار عظیمی که صورت گرفت بخشی از دیوار عظیم برج فرو ریخت و چند صد نفر از مدافعین کشته شدند.^{۱۶}

با رخنه عظیمی که در باروی قلعه ایجاد شده بود نیروهای روس توانستند راه خود را به درون قلعه هموار نمایند و آن را تصرف نمایند. نزدیک بیست هزار از ترکمن‌ها در این تهاجم کشته شدند.^{۱۷}

د- یافتن متحدان منطقه‌ای جهت مقابله با روس‌ها: زمانی که تهدید روس‌ها در صحرای ترکمان و مرو شدت یافت جلسات مختلفی بین سران قبایل مختلف ترکمان در شهر مرو تشکیل شد. در این جلسات مباحث متعددی طرح و بررسی شد که مبنای اولیه این بحث‌ها بر سر تسلیم و پذیرش اقتدار روس‌ها و یا مقاومت و یافتن راهکارهایی جهت مقابله با آنها بود. گروه‌هایی که خواهان تسلیم بودند قتل عام ترکمنان یموت خیوه توسط روس‌ها را یادآور می‌شدند. اما اکثریت معتقد بودند قربابت مردمی و مذهبی با روس‌ها نداشته و قادر به همزیستی با آنها نخواهند بود.^{۱۸}

سرانجام طرح مقاومت در اولویت قرار گرفت اما چون ترکمن‌ها احساس کردند به تنهایی قادر به جنگ با روس‌ها نیستند یافتن متحدانی را در خارج از مناطق ترکمن‌نشین در نظر گرفتند.

یاری گرفتن از افغان‌ها و حکومت مرکزی ایران و انگلیسی‌ها از جمله گزینه‌هایی بود که برای پایداری مورد نظر ترکمن‌ها واقع شد. نمایندگان اعزامی ترکمن‌ها به افغانستان نتوانست توفیقی حاصل نماید. اوضاع داخلی افغانستان به اندازه کافی آشفته بود. منازعه و جدال روس و انگلیس بر سر حاکمیت سیاسی افغانستان به گونه‌ای در اواخر قرن نوزدهم شدت گرفته بود که عملاً آنها فاقد توانمندی سیاسی و نظامی لازم جهت یاری رساندن به ترکمنان بودند.^{۱۹}

ترکمنان در کنار ناامیدی از افغان‌ها مجبور به توسل به ناصرالدین شاه گردیدند و چندین نوبت پیش از سقوط گوگ‌تپه و حتی پس از سقوط این دژ نظامی، نمایندگان و تعدادی از رهبران خود را به تهران فرستادند اما دربار ایران که از حملات تخریبی ترکمنان به شهرهای خراسان صدمات زیادی را متحمل شده بود و از طرف دیگر توسط روس‌ها نیز به شدت تحت فشار سیاسی و نظامی قرار داشت حاضر به کمک‌رسانی به ترکمن‌ها نشد و به نوعی می‌توان گفت ناصرالدین شاه ترجیح داد که به جای ترکمن‌های آخال با روس‌ها همسایه باشد.^{۲۰}

ترکمن‌ها پس از ناکامی در جلب حمایت ایران چون از رقابت روس و انگلیس اطلاع یافتند متکی به جلب نظر بریتانیا شدند. از سوی دیگر انگلیسی‌ها که در تهاجمات فزاینده روس‌ها در منطقه آسیای مرکزی و نزدیک شدن آنها به هند به وحشت افتاده بودند تلاش‌های سیاسی مکرری

برای متوقف ساختن روس‌ها به کار بردند اما ناکامی مکرر، انگیزه‌های پیشروی روس‌ها را در پی داشت.

سرانجام انگلیسی‌ها درصدد برآمدند روس‌ها را در دشت ترکمان متوقف نمایند. عناصر جاسوسی آنها نظیر باتلر و بارنابی و ادونوان در میان ترکمانان به فعالیت پرداختند.^{۲۱} ترکمن‌ها نیز از این فرصت استفاده کرده و کمک نظامی بریتانیا را در برابر روس‌ها طلب می‌کردند. اما تردید در تصمیمات لندن و نگرانی از عملکرد نظامی در برابر روس‌ها سبب شد تا ترکمن‌ها از کمک خواهی انگلیسی‌ها نیز به نتیجه‌ای قطعی نرسیده و سرانجام با تسلیم مرو در سال ۱۸۸۴ م آخرین سنگر دفاعی خود در مقابل روس‌ها را از دست دادند.

نتیجه

مناطق ترکمن‌نشین در قرن نوزدهم به نوعی قلمرو ایران محسوب می‌شدند. اما ضعف عمومی که بر ساختار سیاسی ایران حاکم بود عملاً تسلط ایران بر این مناطق را کم‌رنگ کرده بود. در این موقعیت روس‌ها خود را به منطقه رسانیدند اما در این شرایط ساختار منسجم سیاسی و نظامی بر ترکمن‌ها حاکم نبود بنابراین در مقابل هجوم نظام‌مند و مرحله‌ای روس‌ها یک روند هماهنگ و دفاعی به عنوان استراتژی حاکم نبود. با این حال تکنیک‌های خاصی در فعالیت‌های دفاعی ترکمن‌ها شکل گرفت که روند پیشروی‌های سریع روس‌ها را کند کرده و در مواقعی متوقف نمود. اما در نهایت کارکرد دفاعی ترکمن‌ها نتوانست روس‌ها را مجبور به عقب‌نشینی در منطقه نماید و غالب قبایل ترکمان تابعیت روس‌ها را پذیرفتند. شاید بتوان علل و عوامل ناکارآمدی شیوه‌های بازدارنده ترکمن‌ها را در چند مورد بیان نمود:

- ۱- اختلاف و فقدان وحدت در میان گروه‌های مختلف ترکمان را بایستی از عوامل اصلی ناکامی آنها تلقی نمود. دشمنی و نزاع داخلی بین قبایل مختلف ترکمان و دامن زدن به این اختلافات توسط روس‌ها به سست شدن بنیان‌های دفاعی ترکمن‌ها انجامید.
- ۲- فعالیت خصمانه و تهاجمات مکرر ترکمانان علی‌الخصوص قبیله تکه به شهرهای خراسان و شانه خالی کردن از تابعیت مستقیم ایران در دوره قاجار از عوامل اصلی گسست بین حاکمیت

سیاسی ایران و ترکمنان بود و در نهایت باعث شد در آستانه ورود روس‌ها آنها نتوانند حمایت ایران را به دست آورند.

۳- از دیگر دلایل شکست ترکمنان بایستی فقدان تجهیزات و تدارکات نظامی لازم جهت یک جنگ همه جانبه را ذکر نمود. عدم وجود توپخانه و ناکافی بودن تفنگ و استفاده از سلاح‌های انفرادی و غیرآتشین، قدرت ترکمن‌ها را به شکل محسوسی کاهش داده و نیروی آنها را به درگیری‌های تن به تن محدود می‌نمود.

۴- تدارکات وسیع روس‌ها با فرماندهی دقیق و بهره‌گیری از تمام توان برای فروپاشی قدرت دفاعی ترکمنان از دیگر عوامل ناکامی ترکمنان بود.

در مجموع بایستی گفت شیوه دفاعی ترکمنان در مقایسه با ساختار تهاجمی نیروی روس‌ها از کارایی پایین‌تری برخوردار بود و شیوه‌های دفاعی آنها فقط توانست پیشروی روس‌ها را با کندی مواجه نماید اما هرگز نتوانست به طور کامل آنها را متوقف سازند.

پی‌نوشت

۱- رشیدالدین فضل‌الله همدانی، جامع التواریخ، ج اول، به کوشش بهمن کریمی، تهران، اقبال، ۱۳۳۸، ص ۲۱.

۲- وامبری، آرمینیوس، سیاحت درویش دروغین درخانات آسیای میانه، ترجمه فتحعلی خواجه نوری، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴، ص ۴۴۲.

۳- *Burnes Lieut Alex: Travels into Bokhara, London, ۱۹۶۶, p ۱۷۲.*

۴- تفضیل احوال تراکمه، نویسنده ناشناس، ضمیمه گرگان‌نامه، گردآوری مسیح ذبیح، تهران بابک، ۱۳۶۳، ص ۱۴۴.

۵- *Schuyler, Eugene: TourkisTan, vol ۲, London, ۱۹۶۶, p ۳۴۵.*

۶- اسکولف، جنگ در ترکستان (خطی)، کتابخانه ملک، شماره ۶۲۳۸، ص ۱۸۷.

۷- *Krauss, ALxis: Russia in Asia, London, ۱۹۷۳, p ۳۴۵.*

۸- اسکرین، فرانسیس، تاریخ آسیای وسطی (خطی)، کتابخانه عمومی اصفهان شماره ۱۱۳۹۲، ص ۱۰۳.

۹- سارای، محمد، ترکمن‌ها در عصر امپریالیسم، ترجمه قدیر ویردی رجایی، ناشر مترجم، ۱۳۷۸، ص ۱۲۹.

۱۰- اسکوبلف، ص ۳۵.

۱۱- *ALLworth, Edward: central Asia, New york, ۱۹۶۴, p ۱۴۸*

۱۲- سارای، ص ۱۳۳.

۱۳- اسکوبلف، ص ۱۸۵.

۱۴- *Krausse, p۸۶*

۱۵- غفوراف، باباجان، تاجیکان، دوشنبه (تاجیکستان)، موسسه انتشاراتی عرفان، ۱۹۹۷، ص ۱۰۰۷.

۱۶- هایپرک، پیتر، بازی بزرگ، ترجمه رضا کامشاد، تهران، نیلوفر، ۱۳۷۹، ص ۲۴۱.

۱۷- *silverstein, Brian: disciplin Knowledge and Imperial power in central asia, central asian survey, vol ۲۱, No ۱, ۲۰۰۲, p ۹۵*

۱۸- سارای، ص ۱۸۳.

۱۹- همان، ص ۱۲.

۲۰- کاظم زاده، فیروز، روس و انگلیس در ایران ۱۸۶۴-۱۹۱۴، ترجمه منوچهر امید، تهران، آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۴۷.

۲۱- *Kaushik, Devendra: central Asia in The modern Times, Moscow, ۱۹۷۰, p۵۰.*